

شنبه شانزدهم ماه جماد الثانیه ۱۲۹۶
 قیمت بکطنرا بکعباسی
 ادا بقمه در چهار قسط
 قیمت اعلان سطر ده شاهی

نمره پنجاه و هفتم

توشقان بند



هفتم ژون ماه فرانس ۱۷۸۹ مسیحی
 هر کس اخبار و اطلاعات علی بدار
 الطباعه بفرستد درین روزنامه باسم
 خود او نوشته خواهد شد

شرح مختصری است از مرض سرخجه ترجمه از روزنامه
 اروپا
 سرخجه بکثرت است که آثار و علامات مخصوصه آن زانها
 کوچک قرمز است که بطور تفرقه بدون نظم معینی بر روی
 جلد انسان منتشر و ظاهر میشود و از علامت خاصه این مرض نیز
 آمدن آبت از چشمها که از روشنایی خیره میشوند و آمدن
 آبت از بینی که پاپوش و عطسه و زکام خفیف و سرفه و گاه
 هم تنگی نفس

قبل از آنکه این مرض بروز کند شخص مریض در خود احساس کشته
 و نقاهت مینماید و فاقد آسایش عمومی و استراحت مینماید
 بعد احساس سردی در خود نموده و حرارت پیمیرساند و مبتلا
 بصداع شده حالت خواب آلودگی فاض او میگردد و زبان مریض
 پهن و سفید و مرطوب میشود و بطور ندرت هم حالت ته دست
 میدهد و شکم گوناگون است که گلو درد دارد و در بعضی از
 اتفاقات با خطر اسهال هم خواهد داشت و در اطفال کوچک گاه
 تشنج هم دیده خواهد شد

هر وقت که آثار و علامت مذکوره در شخص مریض پیدا آمد باید
 خیلی احتیاط کند که ناخوشی او مبتدل برسام و تیفوس و غیره
 نشود در بعض اطفال نازک مزاج جمیع علامات مذکور نمودیم
 در نهایت شدت و دهشت بروز میکنند و آن اطفال در چنین
 حالتی هذیان میگویند و اجزای بدن آنها نیز تشنج دارد

دانه های قرمز در بدن بر حسب عادت روز چهارم و ناخوشی پیدا
 میشود و بطور ندرت ممکن است که روز دوم نمودار گردد و اگر
 مرض خطرناک و محال باشد بروز دانه های مزبور روز هفتم و
 یازدهم و پانزدهم پیدا میگردد و در این صورت مرض بسیار
 خطرناک است عادتاً این دانه های قرمز اول بر روی صورت
 و بعد روی گردن و سینه و سایر اجزای بدن نمودار میشود

تقریباً روز هفتم این دانه های قرمز در رنگ مبرک در و معلوم
 میشود که مرض رو با انحطاط و تنزل نهاده است و پیوسته خشکی
 بدن در بنوقت که میشود و اندک اندک رطوبت بهم میرساند
 و از روی جلد قطعه قطعه بمثابه ورقه های بسیار نازک پوسته
 جدا شود و تب بکلی قطع گردد و مریض حالت و انعاشی بهم
 رساند و پوست معده موقوف و سرفه ملایم تر و از خشکی آن
 که شده با بلغم کم بدن منوال رو ببصودی نهاده بعد
 از انقضای یازده الی بیست یوم مرض بکلی رفع و زایل شود
 این مرض مسری خود چندان عمده و با خطر نیست ولی در بعضی
 اطفال بجهت استعداد مخصوصی که دارند بواسطه الحاق امراض
 دیگر و بعضی نتایج حاصله متفرقه بسیار خطرناک و مهلك میگردد
 سرخجه مسری عمومی زیاد و حشت انگیز است و در صورتیکه
 در یک شهر یا بلدی عمومیت بهم رسانند باید در کمال مواظبت
 و احتیاط مرضی را در اماکن جداگانه و دور از مردمان سالم
 نگاهداری و پرستاری کنند که مبادا این مرض بنا برین سربسته
 نماید و اطفال صحیح المزاج را نکند از ندرت که نزدیک و معاشر
 بامرضی شوند

عموماً گمان میکنند که اگر طفلی بکرتبه گرفتار مرض سرخجه
 شود دیگر در تمام عمر خود از این ناخوشی محفوظ خواهد ماند
 ولی اینفقره نهایت خبط و اشتباه است زیرا که ممکن است بکنفر
 طفل دو مرتبه و سه مرتبه بلکه چهار مرتبه و پنج مرتبه مبتلا بمرض سرخجه
 گردد و در هر دفعه نیز ممکن است که مرض مهلك و خطرناک باشد
 در باب معالجه این مرض ما شرح مفصلی ذکر نمینمایم زیرا که این
 مسئله مهم است و صاحبان و پرستاران مرضی باید حسب
 اللزوم بطیب ما هر خازنی رجوع کنند ولی دستور العمل
 مختصر برای آنها اینست که مرض آنها از امراض متعارف محسوب میشود
 مینگاریم و ان اینست که باید مریض را در رختخواب خوابانند

و درست مراقب برهنه او شد و او را از چایش و خوردن سرما
 دروشنای بسیار زنده محفوظ داشت و اطای که مریض را در
 آن میخواست بایند باید نگاه داشته شود باینکه مریض ملامت معتد
 و اجتناب کند از انداختن لجامهای متعدد و بسیار گرم بر روی
 مریض که مخصوصاً این فقره نتایج بد خطرناک خواهد داشت
 بلکه عموماً عادت بسیار بدست که مریضی را از بادپوشاند
 و اطای را بسیار گرم کند بیرون رفتن مریض باید بعد از
 هشت یا پانزده روز بعد از تمام شدن و محوشدن دانهها
 فرم باشد یا هر وقت که طبیب اجازه دهد و بعد از برون آمدن از مرض
 یک یا دو حمام با آب گرم ملامت و یک مسهل خفیف بسیار
 نافع است

بقیه صحبت ساد طبعی و هبت

ترجمه میرزا کاظم معلم علم طبیعی و شیمی

محمد اقا جان انروز که بیان حالات و اوضاع مختلفه
 ماه و آفتاب و زمین را مکرر دید فرمودید که از اهل قمر و
 از روتب جزء مستنیر آن معلوم میتوان کرد که آفتاب از کدام سمت
 افق ماهرار روشن کرده مستدکیم توضیح این مقال که کند
 کاظم جهت توضیح این مقال ملتفت باش و برین که در روی
 کوی غابج که ما انرا بمنزله ماه قرار دادیم نقاط روشن و مستنیر
 همیشه در سمت مواجه و متضاد شمع که بمنزله آفتاب است واقع
 بهمین طریق جز، مستنیر ماه در سمت مواجه و برابر آفتاب
 خواهد بود

محمد ایا مدت حرکت و دور ماه چه قدر است

کاظم بیست و هفت و پنج ساعت و چهل و سه دقیقه

محمد ایا ماه بزرگی آفتاب است

کاظم مکرر فراموش کردی که کفتم خوردشید دو کرور و چهار
 صد برابر زمین است و بعد ازین نباید فراموش کنی که زمین
 چهل و نه برابر از ماه بزرگتر است و بجهت اینکه تقریباً چنانی
 از تفاوت بزرگی حجم ماه و زمین و آفتاب همیشه در نظر شما باشد

بخاطر بسیار بد که نارنج تقریباً چهل و نه برابر فندقی است و یک
 یا لون مدوری که از زمین تا بام بالا خانه ما باشد تقریباً دو کرور
 و چهار صد هزار برابر نارنج میشود پس ماه بمنزله فندقی در زمین
 بزرگی نارنجی و آفتاب بمثابه بالون بسیار بزرگی خواهد بود

احمد پس چرا ماه در نظر بزرگی خود شدید میاید

کاظم بجهت اینکه ماه بمراتب نزدیکتر از آفتاب است چنانکه اگر
 فرض کنیم کالسکه بخاری در هر ساعتی هشت فرسنگ طی مسافت کند
 و از کره زمین بجانب ماه حرکت نماید پس از یکسال و چهار ماه و ده
 روز بکره قمر خواهد رسید و حال آنکه همان کالسکه یا ضد سال
 باید مسافت ما بین زمین و آفتاب را طی کند

محمد کاش میتوانم بکره ماه سفر کنم و از نزدیک وضع او را
 مشاهده نمایم

کاظم هنوز کسی را قدرت این سفر نبره و کویا هرگز نخواهد
 بود ولی انسان که جهت درک مسائل علمیه و بسط بصیرت خود کمال
 مجاهده را دارد اسبابی فراهم آورده که حتی الامکان از بعضی
 امور کلبه عالمه استحضار نماید مثلاً دور بینهای بزرگ
 پر قوت اسبابی اختراع کرده اند که با اصطلاح طبیعیین تلسکوب
 مینامند و بواسطه آن ثوابت و سیارات را بزرگتر و بجزئیتر میکنند
 ازین آلات کرانها بخوبی کوههای ماه را تشخیص داده اند

محمد ایا در کره ماه مخلوق و سکنه هم هست

کاظم خدادانات ولی چنین مستفاد میشود که اگر درین کوی
 مخلوق خلق شده است بهیچوجه شباهتی با ما ندارد زیرا که
 در دور ماه مانند دور زمین هوای محیطی نیست و میدانند
 که بدون هوای تنفس حیوانات تمتع پس زندگی آنها محال است
 احمد اگر در قمر مخلوق باشد بقیه همینطور که ما ماه آنها را می
 بینیم آنها هم زمین ما را می بینند

کاظم محتمل است و در چنین صورتی آن جز، زمین که از آفتاب
 روشن شده است بنظر آنها میاید چنانکه در ماه جز، مستنیر
 آن بنظر ما میاید

محمد اقا جان ایا ملتفت شده اید که ماه در حالت بدر شبیه
 بصورتیکه بر مانگاه میکند کویا چشم و بینی و دهان دارد
 کاظم بلی لکهای چندی در ماه است که کاف کویند و وضع این
 لکها قسمی است که انرا تقریباً شکل صورتی میدهد

محمد این لکها چیست

کاظم این لکها سایه کوههای ماه است و بعضی لکها را نیز نسبت
 میدهند برنگ اراضی و دره های عمیقی که در سطح کره ماه واقع
 و چون ما همیشه در روی ماه همین لکهای مخصوصاً می بینیم یعنی

همیشه همان کوهها و دره های معین بنظر ما می رسد پس معلوم می شود
که همیشه یک نصف کره ماه را بیشتر نمی بینیم و اگر نصف دیگر را
میدیدیم آن کوهها و دره ها را بهمین وضع می دیدیم لهذا آنها
با این شکل نبودند

آمد پس ماه مانند کوه حرکت نمیکند چنانکه زمین حرکت میکند
کاظم خیر ماه بر دور زمین مانند شخصی که بر
دور درختی حرکت کند و متصل نگاهش بدرخت باشد متحرک است
بطوریکه از درخت همیشه روی آن شخص دیده میشود نه پشت
سراو

آمد پس جز مخلوق بکطرف ماه زمین را نمی بینند
کاظم بدی است که بجهت دیدن ما باید در طرفی از ماه واقع
باشند که بهمت ما نگاه میکنند

محمد خلی خوب انهایی که در آن طرف کره ماه هستند اگر
ما را ببینند به این طرف خواهند آمد و ممکن است که
محض ملاقات ما این سفر کوچک را اختیار کنند بقدر غرض

شیمی در باب خواص مختلفه غذاهای متفرقه در روزنامه علی
بلژیک موسوم بلانت بلژ مسطور است که ترجمه آن از قرار
ذیل میباشد

اطبای روی زمین که این عصر بوجودشان شان دادند و مشغول است
جمع غذاهای را که بواسطه آن انسان قوه زندگانی و حیات حاصل
مینماید و در عالم وجود دارد منقسم به قسمت کرده اند اول
اغذیه از و تر از قبیل گوشتهای مختلف و تخم مرغ و شیر و کندم
و حیوانات مختلفه و گیاه و سبزیهای متفرقه و غیره دویم ماکولات
میدر و تره کاربونه از قبیل چربیهای مختلفه و روغنهای نباتی
متفرقه و ما بهیهای مختلفه که از نشردن بعضی چیزها حاصل میشود
و نشاسته و مبهوه ها و شربتی های متفرقه سیم اجسامیکه تاثیر
بجرق و رنگ دارد مانند عطریات و مشروبات الکلی و غیره

درین مطلب ما بعضی تحقیقات در باب اغذیه از و تره مینمایم زیرا
که این غذاها ماهیچه و مغز و استخوان و خون انسان را تربیت و
تقویت مینماید

از اشبای حیوانی کمتر چیزی یافت میشود که انسان از آن تحلیل برد
ولی با وجود این از برای حفظ وجود انسان از عموم اشبای حیوانی

استعمال نمیکند از میان جمیع لحوم گوشت گاو بیشتر از همه
از و تر است و انسان با همین گوشت و نان فقط میتواند وجود
خود را در کمال خوبی حفظ و نگاهداری نماید عموماً همه
لحوم که با پیش قابل تحلیل مینباشند ولی گوشت حیواناتی که
دستی و مصنوعی تربیت و پرورش یافته و آنها را فریب کرده اند
ترجیح بر سایر لحوم دارد و شکبه و اجزای اندرونی حیوانات
نشخوارکن میتواند نیز جای اغذیه مقویه بسیار داشته و با بگرد
گوشت کوسفند و بز نسبت بگوشت گاو کمتر تعریف دارد و
گوشت گاو و بجز این دو گوشت است اما گوشت بز و بزغاله
قوت بیشتر است گوشت خوک که در اروپا خوردن آن معمول است
حسی ندارد و نمیتوان از آن داخل در گوشتهای ساله غیر مضر
محبوب داشت و شک نیست که برای مزاج و طبیعت انسانی مضر
و در آن مالک که خوردن آن گوشت معمول است باید حتی
الامکان مضر آنرا بواسطه سببها که کنند و هرگز بدون سبب
صرف ننمایند و الا ضرر کلی مزاج بر آنها وارد خواهد آمد

گوشتهای حیوانات وحشی حتی لحوم طيور مختلفه را باید در
جز و اغذیه درجه دویم دانست و درین عداد محسوب است اگر
چه ممکن است گوشت مرغها را از گوشتهای ساله فرض نمود و همیشه
اینکه لحوم طيور از اغذیه درجه دویم شمرده اند این است که
ممکن است این جنس گوشت بجهت حرارتی که دارد اسباب حستکی
معدن شود مرغهای خانگی و کبوترها و بوقلمونها باید بر جمیع
طيور ترجیح و برتری داشته باشد گوشت ماهی اگر چه غذای
سالی است ولی مضر زیاد دارد و باید در میان ماهیها انهایی را
که چندان چاق و فربه نیستند انتخاب نمود گوشتهای نیک سود نسبت
بگوشتهای تازه هم که قوت تروهم کمتر است مینباشند ولی با وجود
این در فضل رستگان گوشت نمک سود گاو و زانهای نمک زده
حیوانات دیگر چندان بد و نامناسب نیست گوشت قومه کرده
ادویه زده که در میان روده ها میکنند و در میده دهند و نگاه
میدارند خوب است ولی باید در استعمال آن امساک نمود گوشت
حیوانات پیر و پیر و باشکال تحلیل میرود و بهمین جهت چندان
مقوی نیست و نیز باید پرهیز و اجتناب کرد از استعمال گوشتها
که شروع بمتغفن شدن و کند بدن کرده اند
اشخاصیکه عادت کرده اند با اینکه گوشت را قبل از استعمال مدتی

نگاه میدارند سزاوار ملامت و مذمت میباشد و این اشخاص
 یعنی انسانی که گوشت را زیاد نگاه میدارند گمان میکنند که گوشت
 که زیاد میماند لطیف تر میشود ولی جنط کلی میکنند زیرا که گوشت
 که زیاد ماند از برای استعمال کفایت کم است و مضرت و خطر را دارد
 تخم مرغ غذایست بسیار مقوی و معده هر انسانی با کمال سهولت
 میتواند عادت با استعمال و تحلیلی این غذا نماید تخم مرغ مرکب است
 از البومین که قابل حل شدن است مقدار زیادی گوگرد و از
 یک شی بسیار چرب زرد رنگ و آن یک مقدار معین کلر و نمک
 که اجزای آن همان اجزای خون انسان میباشد تخم مرغ را باید تازه
 خورد و چندان زیاد نکند که پخته شود و بجز طریق که تخم مرغ را
 طبع نمایند غذایی خواهد بود ساله و مقوی

شیر غذایست بسیار ساله و شیر کاف و ترجیح بر هر شیر از هر جهت دارد
 شیر باید تازه باشد و نباید هیچ چیز دیگر که معمول است داخل در
 آن نمایند چه غرض از ادخال چیزی در آن حفظ آن باشد چه قصد
 تغلب باشد و در هر حال این عمل خوب نیست و باید در تحصیل
 شیر و استعمال آن کمال احتیاط و نهایت مراقبت و مواظبت نمود
 که شیر مغشوش و ساختگی نباشد و تقبلی در آن نگردد باشد زیرا
 که ممکن است بجهت تغلب چیزهای مضر زیاد در آن بکار برده باشند
 و در این صورت شیر مثل سمع و زهر کار خواهد شد
 برای اطفال از همین توأد تا سن هشت پاره سالگی صرف شیر
 نهایت فرض و لازم است و در مدت مسطور برای مقدار شیر که
 اطفال میخورند هیچ حد و اندازه لازم نیست و هر قدر که بتوانند
 بخورند باید با آنها داد ولی بعضی تجاوز از سن مزبور باید مقدار
 شیر را محدود و معین نمود

شیر که در او اهل عمر انسان اینقدر لازم و مفید است متبدل میشود
 یک سمع و زهر حقیقی در صورتیکه در لحوم و اغذیه گوشتی
 حیوانات که شرب داده اند مخلوط شده باشد اشپای با سمیت
 و زهر دار

برای حفظ و نگاهداری شیر از ترش شدن در هوای بسیار گرم
 همینقدر کفایت میکند که از اینجوشانند و یک مدتی کار نبات
 بر آن بپزند چه غذاهای بسیار است که از شیر ترتیب داده میشود
 و معمول ترین از آنها پنیر است و گویا همه قسم پنیر مقوی و سالم است
 ولی در صورتیکه از موافق قاعده استعمال کنند

نان کندم از همه نانها بهتر است و نان زرت سالم نیست و نان جو
 بدون مخلوط بودن با کندم غذای ناقص میباشد و بهترین اقسام
 نان کندم آنست که درست و خوب پخته شده باشد و نوسخته بود
 آن نیز شرط اهلی است بعضی از مردم هستند که به احتیاطی کرده
 نان پخته با نیم پخته میخورند یا نانی که صرف میکنند که خبیر از
 مایه زده باشند این قسم نانها بقینا مضرات اینها نان تازه
 بر نان بیات ترجیح دارد اغذیه متفرقه خمیری که از آرد کندم
 ترتیب و طبع میشود همه خیلی مقوی و ساله است بشرط اینکه
 خوب پخته شده باشد و همچنین سبزی آلات باید پخته باشد
 و خام آنها مضرات

سُئَالُ الْبَيْتِ الْأَشْمَنِ الْأَمَلِكِ

این بند را در اشکال است که از فضلا و دانشمندان متوقع حل آن
 دو هتم یکی در کلام مجید است و کیفیت حضرت ابراهیم علیه السلام در سو
 مبارکه انعام میفرماید قوله تعالی و كذلك نرى ابراهيم ملكا
 والارض الى قوله انى برى مما تشرقون اشکالی بر ظاهر آیه شریفه
 وارد میباشد و آن اینست که دلالت میکند بر اینکه طلوع قمر بعد از
 افول کوكب بوده باشد یا نه این در نصف دوره فاصله باشد
 و همچنین دلالت دارد بر اینکه طلوع شمس بعد از افول قمر بوده پس
 مابین این دو نیز باید نصف دوره فاصله باشد و از این لازم میباشد
 میان شمس و کوكب که از احتراق میگویند و کوكب را بنوقت در تحت
 چگونگی دیده میشود و اگر مراد میان کوكب و قمر یکتر از نصف دوره باشد
 باید فاصله میان کوكب و شمس هم همین قسم باشد تحقیقا و تقریبا
 اینکه مراد از کوكب را به شریفه زهر است که در فی الجمله مابین آن و شمس
 نظری غیر از احتراق متحقق نمیشود حق اینست که تسدیس هم که اقرب بنا بر
 نظرات است حاصل نمیشود ظاهر این اشکال در صورتیست که مراد از
 کوكب زهر باشد که انقض علیها اکثر المفسرين

دیگر آنکه از مهره در علم مناظر و مرابا سوال مینمایم که ستر این را بیان
 فرمایند که در سر قلبان برنج بانقره باطلا که جسم صیقلی باشد از
 ابتدای چوب بیابالا تا بحدی که مستقیم است عکس در او مستقیم میماند
 و از اینجا بیابالا تا بر جای تنباکو که منحنی است عکس در آن منحنی
 میماند ستر این چیست و برهان آن کدام است

(علی اکبر بن حاج محمد حسین خان الملقب بصکدر الدوله)